



## ادیان و کتب آسمانی در بسیاری از حقایق مشترکند/ پاسخ به ادعای اقتباس قرآن از کتب مقدس

استاد دانشگاه تهران ضمن اشاره به انگیزه‌های مطالعات عهدینی بیان کرد: از نظر منطق قرآن کریم همه ادیان آسمانی در یک حقایق مشترکند و بر اساس اصول و حقایق پی‌ریزی شدند. این معنا در آیه سیزدهم سوره شورا مورد تاکید قرار گرفته است.

استاد دانشگاه تهران ضمن اشاره به انگیزه‌های مطالعات عهدینی بیان کرد: از نظر منطق قرآن کریم همه ادیان آسمانی در یک حقایق مشترکند و بر اساس اصول و حقایق پی‌ریزی شدند. این معنا در آیه سیزدهم سوره شورا مورد تاکید قرار گرفته است.

در چند دهه اخیر مطالعات اسلام پژوهی با رویکرد بینامتنی و مطالعات عهدینی افزایش چشم‌گیری داشته و محققان در پی واکاوی مشابهت‌های قرآن کریم با متون مقدس پیش از آن از جمله تورات و انجیل هستند. این تحقیقات تا حدی پیش‌رفته است که برخی با نگاهی افراطی مدعی شدند قرآن کریم صرفاً رونوشتی از عهدین است و بدین سبب حقانیت دین اسلام و پیامبر(ص) را زیر سوال بردند. در مقابل برخی پژوهشگران این ادعا را نادرست دانسته و به بیان نوآوری‌ها و تفاوت‌های متن قرآن با متون قبل از آن پرداختند.

خبرنگار ایگنا به مناسبت مبعث پیامبر گرامی اسلام با مجید معارف، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران گفت‌وگو کرده و این مباحث را با او در میان نهاده است.

بخش اول این گفت‌وگو را بخوانید؛

ایگنا- در دهه‌های اخیر مطالعات بینامتنی پیرامون قرآن و عهدین افزایش چشم‌گیری داشته است. به نظر شما علت گسترش این رویکرد در مطالعات اسلامی چیست؟

در دوران معاصر مطالعات بین قرآن کریم و کتاب‌های مقدس مثل تورات و انجیل به وسیله دو گروه از یک رشد قابل توجهی برخوردار شده است؛ یکی از ناحیه گروه خاورشناسان یعنی کسانی که مسلمان نیستند ولی به مطالعه درباره اسلام و تاریخ اسلام علاقه‌مندند. طبیعی است خاورشناسان یک پیش‌فرضی دارند که برای برخی این پیش‌فرض به فرضیه قطعی تبدیل شده و می‌خواهند درصد اثبات آن بریبایند. آن پیش‌فرض این است؛ قرآن کریم با اقتباس از کتب آسمانی قبل از خودش ساخته و پرداخته شده است. بسیاری خاورشناسان تورات و انجیل را به مثابه منابعی برای قرآن کریم تصور می‌کنند و شدیداً معتقدند قرآن تحت تأثیر تورات و انجیل و با اقتباس از آنها ساخته و پرداخته شده است. همچنین یک بخشی از قرآن را تحت تأثیر آداب و رسوم جاهلی می‌دانند. اگر کسی فرضیه‌اش این بود که قرآن کریم یک کتاب مقتبس است قاعدتاً در جهت اثبات این فرضیه برمی‌آید و تلاش می‌کند با مطالعه و تحلیل متن قرآن از یک طرف و مطالعه تورات و انجیل از طرف دیگر اشتراکات و همانندی‌های آنها را نشان دهد. طبیعی است این کار نیازمند کار علمی است. به این صورت خاورشناسان به مطالعات بینامتنی علاقه‌مند شده‌اند. علت علاقه مسلمانان به مطالعات عهدینی

گروه دومی که مطالعات بین قرآن و عهدین را دنبال می‌کنند خود مسلمانان هستند. اساساً مطالعات قرآن و عهدین یک قسم از مطالعات آکادمیک در دانشگاه است. در دوره فوق لیسانس رشته قرآن و حدیث، درسی به نام مطالعه قرآن و کتب آسمانی گذشته داریم که در آن به دانشجو یاد می‌دهیم بین قرآن و کتب آسمانی گذشته همانندی‌هایی وجود دارد.

مسلمانان به دو جهت این کار را انجام می‌دهند و این قضیه به دو جهت مورد علاقه مسلمانان است؛ یکی اینکه موفق شوند پاسخ خاورشناسان را بدهند. اگر خاورشناسی سوال کرد سرگذشت موسی و بنی اسرائیل در قرآن وارد شده است و اصل این ماجرا در تورات است و بنابراین قرآن متأثر از تورات این مطالب را آورده است، محققان اسلامی می‌روند ببینند این برداشت، برداشت درستی است یا نه. آیا این همانندی به صورت تام و تمام است و ادعای خاورشناس درست است؟ پس مسلمانان به جهت دفاع از قرآن سراغ مطالعه همانندی قرآن و انجیل و تورات می‌روند.

دیگر اینکه از نظر اسلام تورات و انجیل دو منبع دینی و آسمانی است و علی‌القاعده نازل‌کننده قرآن، نازل‌کننده تورات و انجیل هم هست و خیلی طبیعی است مشترکاتی در هر سه کتاب باشد. پژوهشگران مسلمان این مشترکات را استخراج می‌کنند و می‌گویند این مطالب مورد تاکید همه ادیان آسمانی است. طبیعی است بیرون آوردن این مشترکات برای مسلمانان جذاب باشد. در این میان اگر پژوهشگران اختلافاتی دیدند به پای تکمیل و تکامل می‌گذارند؛ مثلاً مطالبی که در تورات آمده در انجیل با تفصیل بیشتری آمده است یا مسائلی در تورات نیست ولی در انجیل آمده است. این نشان‌دهنده گام تکمیلی انجیل نسبت به تورات

است یا مسائلی در قرآن آمده ولی در تورات و انجیل نیامده که نشان دهنده گام تکمیلی تر قرآن نسبت به تورات و انجیل است.

از سوی دیگر وقتی مسلمانان ادعا می کنند دین اسلام دین کامل تری است باید این را نشان بدهند. نشان دادنش به این است سطح معارف قرآن را با معارف تورات و انجیل مقایسه کنند و برتری قرآن را اثبات کنند. اگر به تعبیر خود قرآن کریم در سوره مائده، قرآن مهیمن است، با مطالعه و مقایسه می توانیم این سیطره و هیمنه را نشان بدهیم. از آنچه گفتم به دست می آید در دوران معاصر هم مسلمانان، هم خاورشناسان هر کدام با انگیزه هایی علاقه مند به مطالعات بین قرآن و معارفی که در کتب های قبل از قرآن است هستند و هر کدام با انگیزه هایی به سراغ این مطالعات می روند. قاعدتا هر گروهی دنبال هدف و غرض خودش این مطالعات را پی می گیرد.

ایکنا شما اشاره کردید میان قرآن و عهدین شباهت هایی وجود دارد و اگر می گوئیم اسلام دین کامل است باید نشان دهیم این تکامل در کدام حوزه است. سوال دوم من این است جنبه تکاملی اسلام نسبت به ادیان قبل از خودش در چه حوزه ای است؟ آیا فقط یکسری جزئیات بیشتری در اسلام بیان شده است یا اینکه مطالب کلی تری در آن ذکر شده است؟

از نظر منطق قرآن کریم همه ادیان آسمانی در یک حقایقی مشترکند و بر اساس اصول و حقایقی پی ریزی شده اند. این معنا در آیه ۱۲ سوره شورا مورد تاکید قرار گرفته است: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ»، یعنی ما برای شما شریعتی مقرر کردیم که قبلا به نوح و ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کرده بودیم و آن اینکه دین را به پا دارید و باب تفرقه را باز نکنید.

اصلا اصطلاح ادیان اصطلاح صحیحی نیست و اصطلاح دین صحیح است، چنانکه قرآن می فرماید: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» یعنی دین نزد خدا اسلام است. البته مقصود آیه اسلام به معنای لغوی است، یعنی حقیقت دین تسلیم شدن در برابر خداوند تبارک و تعالی است. به فرموده قرآن حضرت ابراهیم هم مسلمان بود: «إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ». این یک نکته مهم است که ادیان بنیادهای مشترکی دارند. بنیاد مشترک اعتقاد به خدا است، اعتقاد به روز جزا است، اعتقاد به اصل نبوت است و حتی اعتقاد به این که انسان برای اینکه به خدا برسد باید مناسک و عباداتی انجام بدهد. این عبادات وسیله هایی هستند که خداپرستی را در انسان قوی می کنند. اشتراکات ادیان در صورت ظاهری عبادات

اگر دقت کنید حتی صورت ظاهری برخی عبادات هم مشترک است. مثلا نماز در همه ادیان بوده است، زکات در همه ادیان بوده است، روزه در همه ادیان بوده است چنانکه خود قرآن می فرماید: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ». علی القاعده مشترکات ادیان چه در حوزه اعتقادات کلی مثل خداپرستی، اعتقاد به معاد و ... و چه در حوزه مناسک وجود دارد. نماز در دین حضرت عیسی و موسی به یک شکل است، مثلا به شکل مناجات هفتگی است ولی در اسلام به شکل نمازهای شبانه روزی است. خود قرآن هم می فرماید: «وَجَعَلْنِي مَبْرُكًا أَيُّنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا». از اینجا متوجه می شویم اشتراکات ادیان به مراتب بیشتر از اختلافاتشان است. اختلافات در فروع دینی است، مثلا نماز یک فرع است که در اسلام به یک شکل به جا آورده می شود، در یهودیت و مسیحیت به شکل دیگری صورت می گیرد. در عین حال گفته من به این معنا نیست که با آمدن یک دین هیچ اتفاق جدیدی نمی افتد. مثلا وقتی حضرت عیسی مبعوث می شود به بنی اسرائیل می گوید: «وَأَلْجَلَّ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ» یعنی من آدم چیزهایی را بر شما حلال کنم که بر شما حرام شده است. بعضی می گویند برخی خوراکی ها و گوشت برخی حیوانات در آیین یهود حرام بوده یا خودشان حرام کرده بودند و فکر می کردند حرام الهی است لذا حضرت عیسی می گوید من آدم زندگی شما را راحت تر کنم.

به همین ترتیب می توانیم میان اسلام و ادیان گذشته مقایسه کنیم. مثلا آن طور که من مطالعه کردم، روزه در امت های گذشته بیست و چهار ساعته بوده است یعنی مغرب تا مغرب. مغرب که افطار می کردند دیگر حق نداشتند چیزی بخورند ولی روزه در اسلام نسبت به ادیان گذشته دو تغییر دارد و خداوند دو تغییر نسبت به آن انجام داد؛ یکی اینکه روزه را در یک ماه متمرکز کرد و روزه ماه رمضان از اختصاصات اسلام است در حالی که در ادیان گذشته در هر ماه سه روز روزه واجب بوده است. البته اسلام هم سه روز روزه ماهانه دارد ولی به عنوان نافلة؛ یعنی اگر کسی بخواهد فضیلت امم گذشته را درک کند راه برایش باز است. دوم اینکه روزه از حالت بیست و چهار ساعته بودن درآمده و از اذان صبح تا اول مغرب شده است: «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتَمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ».

این به معنای اعلام تخصیص است. وقتی قرآن می فرماید: «أَجَلٌ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّقْتُ إِلَى نَسَائِكُمْ» و اجازه می دهد در طول شب عمل زناشویی انجام شود در مقام تخصیص است. بنابراین قطعا اگر ادیان با هم مقایسه شوند اختلافاتی در احکام دارند ولی همانطور که در مقدمه گفتم اشتراکات ادیان در مسائلی مثل خداپرستی و حساب و کتاب خیلی بیشتر از اختلافاتی است که برخی مثال هایش را بیان کردم... ادامه دارد.